



شکل‌گیری، توسعه و فروپاشی شهر دوران اسلامی اوجان براساس مطالعه تطبیقی متون و کاوش باستان‌شناسی

I رحیم ولایتی

II حمید کرمی پور

III فرزانه سعادت‌راد

(صص: ۱۱۴ - ۹۵)
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۲
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۲

چکیده

اوجان، یکی از شهرهای معرف دوره اسلامی در منطقه آذربایجان با مساحت حدود ۹۰ هکتار در فاصله پنج کیلومتری شهر کنونی بستان آباد واقع است. ساختار اولیه این شهر متعلق به سده‌های ۴ تا ۶ ه.ق. و مصادف با دوره حکومت سلجوقیان در ایران بوده و گسترش اولیه این شهر در سده‌های ۷ و ۸ ه.ق. و اوج شکوفایی آن متعلق به اواسط دوره ایلخانی به بعد تا دوره صفوی بوده است. نابودی و انحطاط کامل این شهر در دوره قاجار روی داده است. در این مقاله با استفاده از رویکرد توصیفی-تحلیلی و روش تحقیق تاریخی و با تکیه بر منظر باستان-زیست‌بوم‌شناسی به مطالعه مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری شهر اسلامی اوجان و به دنبال آن پی‌بردن به عملکرد شهر و علت تشکیل آن و در نهایت به علل فروپاشی این شهر پرداخته شده است. پژوهش مورد نظر بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی انجام شده است، مشخص می‌سازد، ساختمان شهر به واسطه موقعیت بین راهی آن به وجود آمده است و از این گذر عملکرد شهر نیز مشخص می‌شود. این شهر در مسیر شبکه‌های اصلی ارتباطی با سایر شهرهای عمده از جمله تبریز و زنجان ساخته شده و با توجه به موقعیت جغرافیایی از منابع طبیعی خوبی برخوردار بوده است و تا اواخر دوره صفوی پر رونق بود، اما با شروع دوره قاجار از اهمیت این شهر کاسته و در نهایت متروک شد. این مطالعه تاریخ سیاسی و اجتماعی شهر اوجان، آثار برجای مانده از شهر، شامل آثار: معماری، شهرسازی، آثار فرهنگی به جامانده بخش‌های مختلف شهر شامل قبرستان، کهن دژ آشکار می‌سازد.

کلیدواژگان: اوجان، سلجوقی، ایلخانی، شهرسازی، بستان آباد.

مقدمه

در بررسی چگونگی شکل‌گیری شهرها با عوامل گوناگونی مواجهیم که هر یک از آن‌ها نقش بارزی در این میان داشته‌اند. پیدایش و گسترش شهرهای اسلامی ایران نیز تابع شرایط جغرافیایی، اجتماعی، مذهبی، تدافعی، نوع حکومت و همچنین بازرگانی بوده است. راه‌های بازرگانی و گذرگاه‌ها از دیرباز، هم به‌عنوان مؤلفه‌های تأثیرپذیر و هم عوامل تأثیرگذار بر سیمای شهر مطرح بوده‌اند. مطالعه این موارد در پاسخ به چرایی مکان‌گزینی و دلایل ایجاد یک شهر مؤثرند. شبکه دسترسی شهرها، دستاورد توسعه آن‌ها در بستر زمان بوده‌اند و تحت تأثیر عوامل متعدد سیاسی، مذهبی، امنیتی و فرهنگی قرار داشته‌اند. عامل متروک شدن و اضمحلال هر شهر بنا بر موقعیت راهبردی و جغرافیایی شهر و همچنین کاربری‌ای که دارد، متفاوت است. این عوامل به‌طور کلی به عوامل طبیعی و انسانی تقسیم می‌گردند. عوامل طبیعی که در متروک شدن شهر تأثیر به‌سزایی دارند را می‌توان زلزله، تغییر مسیر رودخانه و خشک شدن منابع آبرسانی، رانش زمین، خشکسالی و عدم وجود موانع دفاعی طبیعی دانست. درکنار این عوامل طبیعی، گاهی عوامل انسانی نیز ممکن است تأثیر بیشتری بر فروپاشی یک شهر داشته باشند. از این عوامل می‌توان به دور بودن از مسیرهای ارتباطی اصلی و یا حتی فرعی، جنگ، بیماری، سیاست‌های حکومتی، عدم وجود حصار و استحکامات مطمئن دفاعی و نظامی برای شهر، استفاده از مصالح ارزان و بی‌کیفیت در ساخت شهر و غیره نام برد. هر شهر دارای نوعی عملکرد و نقش خاص است که گاهی مختص همان فعالیت به‌وجود آمده و براساس آن به گروه‌های متفاوتی تقسیم شده که عمده‌ترین آن شهرهای معدنی، بندری، صنعتی، اداری-سیاسی، گردشگری است. مطالعه و شناخت مؤلفه‌ها و عوامل مؤثر در شکل‌گیری و توسعه شهرها، از مهم‌ترین مباحثی است که از گذشته‌های دور توجه عده‌ای از اندیشمندان رشته‌های مرتبط را به خود معطوف داشته و نظریه‌ها و مدل‌های مختلفی جهت تحلیل این پدیده ارائه شده است.

شهر تاریخی اسلامی اوجان یکی از شهرهای مهم اسلامی در طی قرون ۶-۱۴ ه.ق. بوده که ذکر آن فراوان در تاریخ و اسناد تاریخی رفته است. بقایای این شهر در بررسی‌های باستان‌شناختی سال‌های اخیر کشف و مطالعات کالبدی آن به‌صورت میدانی و نظری آغاز شده است. لذا در این مقام با توجه به بررسی اسناد تاریخی و نتایج حاصل از تحقیقات میدانی اعم از بررسی‌های باستان‌شناختی در این محوطه و پیرامون آن و کاوش‌های باستان‌شناختی انجام‌گرفته در متن این شهر مهم به بررسی عوامل مؤثر در شکل‌گیری و اضمحلال این شهر پرداخته خواهد شد.

پیشینه مطالعات باستان‌شناختی

می‌توان گفت مطالعات باستان‌شناسی آذربایجان با بررسی باستان‌شناختی ژاک دمرگان فرانسوی در حدود سال‌های ۱۳۱۲-۱۳۱۱ ه.ش. شروع می‌شود. او در این بررسی از شمال و لاهیجان وارد آذربایجان شده و تا اطراف دریاچه ارومیه را مورد بررسی باستان‌شناسی قرار داده است (DeMorgan, 1905: 267-305). سپس هیأت‌های مختلف آلمانی (Kroll, 1984: 12-14) و آمریکایی (دایسون و همکاران) و ایرانی، مطالعات مختلف خود را که عموماً مربوط به مطالعات دوران پیش از اسلام می‌شدند، در این منطقه به انجام رساندند که پرداختن به آن‌ها خارج از حوصله این مقاله است (معصومی، ۱۳۸۳: ۱۲۶). سیف‌الله کامبخش فرد طی سه فصل سه‌ماهه در سال‌های ۱۳۴۶-۱۳۴۴ ه.ش. در آذربایجان شرقی بررسی‌های باستان‌شناسی را درکنار رودخانه ارس، ارسباران (منطقه اهر)، آذرشهر، بناب، مراغه، سراب، مرند و مناطقی از شهر تبریز مورد بررسی و شناسایی قرار داده است. حاصل این بررسی‌ها، کشف بسیاری از پل‌ها، غارها، تپه‌های باستانی، گورستان‌ها و سنگ‌نبشته‌ها از این منطقه بوده است (کامبخش فرد، ۱۳۸۰: ۲۶۱). مطالعات شهرسازی دوره

اسلامی آذربایجان، محدود به کاوش‌ها و بررسی‌های شهر سلطانیه (توحیدی و همکاران، ۱۳۶۵)، کاوش‌های اندکی در رصدخانه مراغه (ورجاوند، ۱۳۶۶) و کاوش‌های ارگ علیشاه تبریز (سرفراز، ۱۳۶۱) است. در این میان منطقه بستان‌آباد کمترین سهم از بررسی‌ها و کاوش‌ها را داشته است. تنها تلاش در رابطه با جایابی شهر اوجان، مقاله‌ای است که در مجله بررسی‌های تاریخی تحت‌عنوان «معرفی شهر تاریخی گمشده اوجان» از رحیم هویدا در سال ۱۳۵۴ ه.ش. به چاپ رسیده و برخی از قسمت‌های این شهر معرفی شده است (هویدا، ۱۳۵۴). در این راستا چهار فصل بررسی توسط نگارنده اول در سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۵ ه.ش. انجام گرفت (ولایتی، ۱۳۸۵؛ ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳). متون جغرافیای تاریخی منطقه حاکی از وجود شهری از دوره اسلامی در این منطقه بود و شناسایی این شهر یکی از مهم‌ترین اهداف بررسی‌های صورت‌گرفته بود که در فصل دوم بررسی این امر محقق گردید. کاوش‌های باستان‌شناسی و تعیین حدود تقریبی این شهر در کاوش تعیین حریم محوطه به سال ۱۳۹۵ ه.ش. توسط نگارندگان انجام پذیرفت. در پژوهش‌های دنباله‌دار این محوطه کاوش‌های باستان‌شناختی انجام‌یافته به سال ۱۳۹۶ ه.ش. در ارک سلطنتی یا حکومتی این شهر مشخصات معماری این شهر را بیش از پیش مشخص ساخت. پژوهش حاضر ماحصل و درواقع برآیند مطالعات میدانی و مطالعات تاریخی تطبیقی شهر اوجان در طی سال‌های اخیر است.

ویژگی‌های شهرهای دوران اسلامی

ویژگی‌های شهرهای اسلامی همانند ادوار پیشین زاینده تحولات اقتصادی، اجتماعی، نظامی و به‌ویژه مذهبی بوده که در شکل‌گیری شهرها و توسعه آن‌ها تأثیر به‌سزایی داشته است. شهرسازی ادوار اسلامی همچنین بستگی به قدرت حکومت داشت و ظهور و توسعه و سقوط یک شهر با جریان‌های سیاسی در ارتباط بوده است. یک بررسی کلی در نقشه شهرهای اسلامی نشان می‌دهد که بسیاری از این شهرها از یک روش و شیوه شهرسازی استفاده کرده و احتمالاً معماران و طراحان بسیاری از شهرها شخص و یا افراد واحدی بوده‌اند. محققان همچنین عقیده دارند که معماران و طراحان شهرها قبل از آغاز به ساخت و ایجاد بناها، نقشه‌هایی را آماده کرده و بر مبنای آن طرح‌ها و نقشه‌ها شروع به احداث می‌کردند. در مینیاتوری متعلق به قرن ۹ ه.ق.، بابر حکمران مغولی هند را نشان می‌دهد که شخصاً به نقشه‌ای اشاره دارد که در دست مردی که طراح اوست، دیده می‌شود (کیانی، ۱۳۶۵: ۲۰۵). اصولاً ویژگی تفکر معماری اسلامی در کشورهای اسلامی در آن است که مبادی و اصول آن، نخست کلیات طرح‌های عمرانی را دربر می‌گرفته و سپس به جزئیات می‌پرداخته است (عثمان، ۱۳۷۶: ۲۷).

در طراحی شهرهای این دوره تأکید بر این بوده که مسجد جامع و بناهای حکومتی به همراه بناهای عام‌المنفعه در مرکز شهر واقع شوند تا بدین ترتیب دسترسی به آن‌ها برای توده مردم آسان‌تر باشد. میل شدید به حفظ خلوت و حریم خصوصی و آسایش در واحدهای مسکونی موجب شده است تا شهرهای ایران دوره اسلامی نیز مانند پیش از اسلام به دو بخش اصلی عمومی و خصوصی تقسیم شوند. مجموعه بازار و تمام فضاهای مربوط به آن مرکز حیات جمعی را تشکیل می‌داد؛ جایی که فعالیت‌های عمومی و اجتماعی در آن انجام می‌گرفت، و منطقه مسکونی بخش خصوصی شهر را تشکیل می‌داد؛ جایی که جوی آرام و امن بر آن چیرگی داشت (خیرآبادی، ۱۳۷۶: ۴۴). شهر و شهرنشینی را می‌توان بر اساس دیدگاه‌های متفاوتی مورد مطالعه قرار داد. اقتصاددانان، سیاستمداران، مورخان، جغرافی‌-نویسان، فلاسفه و دیگران هرکدام با دیدگاه خاص خود به شهر و شهرنشینی می‌نگرند. در خصوص رابطه میان نگرش و جهان‌بینی اسلامی با مقوله شهرنشینی و تأثیرگذاری در این زمینه نمی‌توان نظر قاطعی داد. این تأثیرگذاری بر فضای کالبدی شهر و ویژگی‌های ساختاری آن متفاوت بوده است. از نظر «استرن» ساختار زندگی شهری پس از فتوحات

مسلمانان همچون گذشته روال عادی خود را از سرگرفت و تنها در کلیت، شکل و شمایل اسلامی به خود گرفت (رضوی، ۱۳۸۷: ۱۰۵-۱۱۲). شهرها را می‌توان اصلی‌ترین کانون ظهور تمدن و گنجینه‌های فرهنگی به‌شمار آورد که بدون شناخت آن‌ها بررسی تاریخ تحولات مختلف زندگی بشر میسر نمی‌گردد. بدین سبب است که مطالعه شهرهای برجای مانده از گذشته، سهم به‌سزایی در درک ساختار سیاسی، اداری، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع به‌وجود آورنده آن ایفا می‌نماید (کریمیان، ۱۳۸۴: ۱۲۱-۱۱۱). حسین پاپلی‌یزدی به‌نقل از پرفسور هوفر می‌گوید: شهر نتیجه ارتباط میان شش جنبه است: ساخت اقتصادی (تنوع فعالیت)، ساخت اجتماعی (تفاوت طبقات اجتماعی)، ساخت کالبدی (طرح ساختمان‌های عمومی)، موقعیت جغرافیایی، موقعیت قانونی و حیات سیاسی (پاپلی‌یزدی و رجبی‌سنجرودی، ۱۳۸۷: ۵۰).

عوامل اصلی در روند پیدایش و شکل‌گیری استقرارگاه‌های شهری در تاریخ ایران، که بی‌تردید در مفهوم بخشی به آن پدیده نیز مؤثر واقع می‌شدند، به‌صورت موجز بدین قرارند: فرهنگ: که از طریق آن بینش و چگونگی نگرش مردم به امور جهان سامان داده می‌شود و در جریان شکل‌یابی کانون‌های زیستی چون شهر، تأثیرات عمیقی برجای می‌گذارد (یوسفی‌فر، ۱۳۸۵: ۵). همچنین فرهنگ‌های متفاوت، نظام‌های اقتصادی متفاوتی را خلق می‌کنند و می‌توان گفت که فرهنگ یک جامعه نوع اقتصاد، و اقتصاد آن جامعه و نوع فن ساخت و نظام کالبدی آن جامعه را مشخص می‌سازد (زیاری، ۱۳۸۲: ۹۷، ۱۰۰ و ۱۰۱). تأثیر فرهنگ اسلام در پیدایش شهر و نحوه سازماندهی آن همواره ناشی از عناصر زیر بوده است: مسجد جامع، بازار، مساجد محله‌ای، مدارس، خانقاه، مقابر، حسینیه و تکایا، نوع مذهب، اوقاف و تشویق مردم به احداث بناها و تأسیسات خیریه (سلطان‌زاده، ۱۳۷۲: ۴۲).

مذهب: دین و عقاید مذهبی در ایران نظیر هرجای دیگر، یک عامل تأثیرگذار بر کلیه جنبه‌های زندگی شهروندان، سازمان اجتماعی - سیاسی و از جمله تشکیل برخی از شهرهای ایران بوده است. بهترین مثال برای این دسته، شهر مقدس مشهد است (خیرآبادی، ۱۳۷۶: ۶۱). اقتصاد: روابط، مناسبات اقتصادی در یک جامعه را شکل می‌داد و ناظر به چگونگی تولید و توزیع ثروت، گردش کالا، نحوه مصرف آن و سامان‌دهی روابط چنین مناسباتی با ساخت کالبدی شهر بود (یوسفی‌فر، ۱۳۸۵: ۵). منظور از شهرهای بازرگانی - تولیدی شهرهایی هستند که بخش مهمی از نیروی کار در آن‌ها صرف تولید و تجارت و صنایع دستی شده است (سلطان‌زاده، ۱۳۶۵: ۵۵).

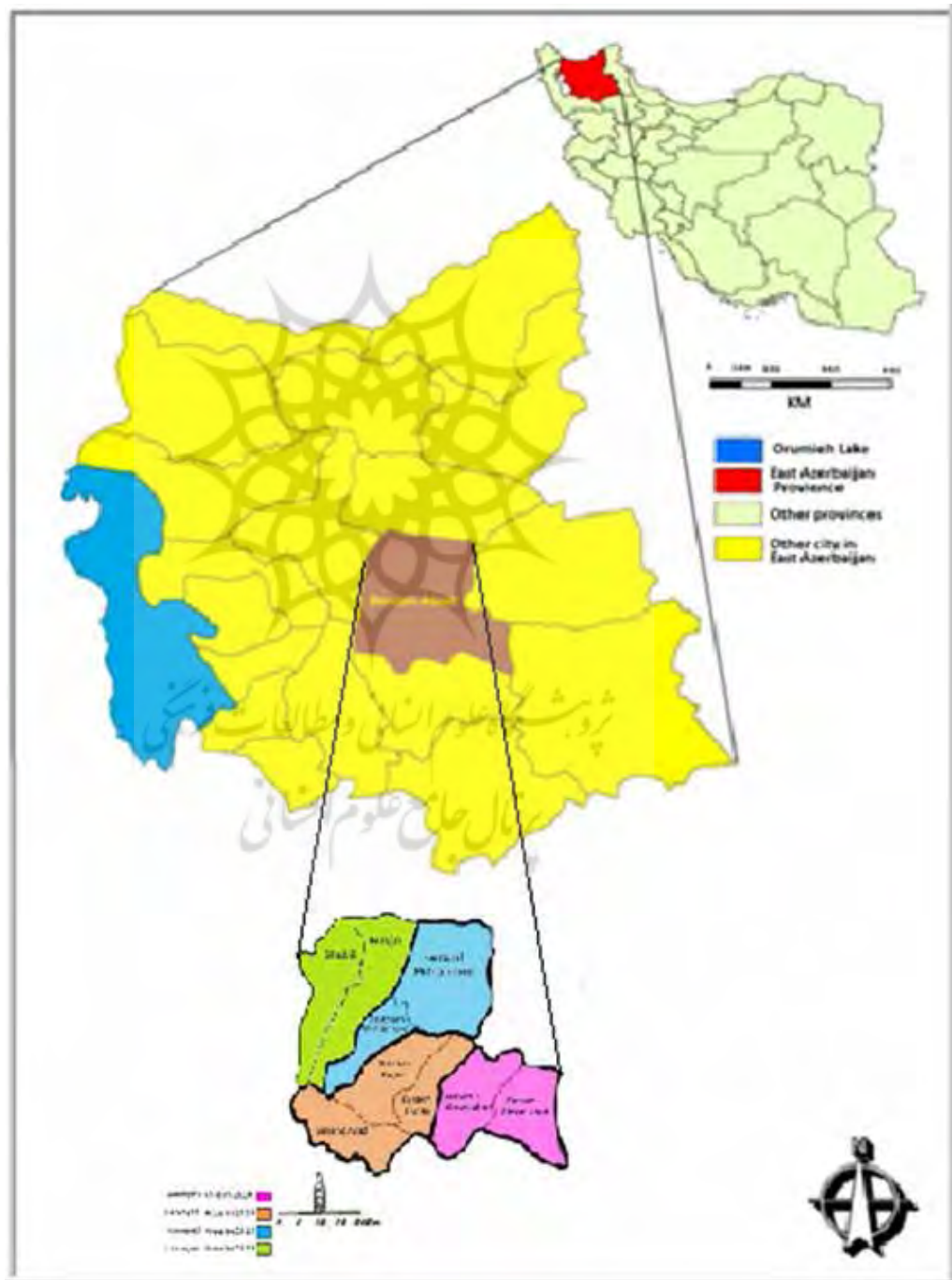
محیط یا اقلیم: که در چگونگی تعریف روابط زیست‌محیطی جهان (باتوجه به عواملی چون آب‌وهوا، همواری و ناهمواری و دیگر عناصر محیط‌زیست طبیعی) تأثیرگذار بود. تأثیرگذاری این عامل در روند شهرنشینی، ناهمگونی‌هایی را در مراتب تکامل مناسبات اجتماعی - اقتصادی مناسبات شهری مجتمع‌های زیستی نواحی مختلف در یک دوره تاریخی پدید می‌آورد (همان: ۵). عامل حکومتی، سیاسی و اداری: احداث عموم شهرها، یعنی محل استقرار ارکان دولتی و نهادهای اداری، سیاسی، توسط پادشاهان و برخی امرا و حکام محلی صورت می‌پذیرفته و مهم‌ترین نقش و کارکرد این‌گونه شهرها، همین جنبه سیاسی - اداری آن‌ها بوده است. به همین دلیل، احداث شهر موضوعی سیاسی تلقی می‌شده و هر حاکمی اجازه ساخت شهر را نداشته است (همان: ۴۱-۴۰).

جغرافیای منطقه بستان آباد

بستان آباد با مساحتی بالغ بر ۲۷۹۵ کیلومترمربع، یکی از شهرستان‌های شانزده‌گانه استان آذربایجان شرقی در شمال غرب ایران و در فاصله ۴۵ کیلومتری شهرستان تبریز است و با طول خاوری ۳۰-۴۶ و عرض شمالی ۳۸/۰۰ تا ۳۷/۳۰ محدود می‌گردد. این شهرستان از سمت شمال به

هریس، از سمت جنوب به هشتگرد، از سمت شرق به میانه و سراب و از سمت غرب به تبریز محدود می‌شود (تصویر ۱).

بستان‌آباد منطقه‌ای است کوهستانی که سراسر قسمت جنوب آن را کوه‌های پیرف و مرتفع پوشانده و شمال آن در امتداد کوه‌های بزغوش و غرب این شهرستان در امتداد کوه‌های مورد داغ به ارتفاع ۲۹۶۰ متر در دنباله کوه‌های مور و داغ و بزغوش بنام تک‌آلتی و گردنه معروف شبلی قرار گرفته است، مهم‌ترین ناحیه مرتفع این ورقه در بخش غربی قرار گرفته، قلّه آتشفشانی سه‌د به نام قوچ‌گلی داغ به بلندی ۳۴۰۰ متر و تپه‌ماهورهای جنوب‌خاوری پوشیده از رسوبات آذرآواری به



تصویر ۱. نقشه استان آذربایجان شرقی و شهرستان بستان‌آباد (نگارندگان).

ارتفاع ۱۷۵ متر به ترتیب بلندترین و پست‌ترین نقاط این منطقه هستند. مهم‌ترین رودهای جاری در این ناحیه، رودخانه قرنق‌چای، چینی بلاغ‌چای، اوجان و سعیدآباد است که از کوهستان سهند سرچشمه گرفته و در نهایت به رودخانه‌های قزل‌اوزن و آجی‌چای ملحق می‌گردند (پطروشفسکی، ۱۳۵۷: ۱۷؛ کشاورز، ۱۳۷۷: ۱۷). دامنه‌های سهند به جهت وجود مراتع، محل اتراق عشایر است. عمده اشتغال ساکنین ناحیه کشاورزی، دامداری، پرورش زنبور عسل و صنایع دستی از قبیل بافت قالی، جاجیم و گلیم است. راه‌های ارتباطی ناحیه، جاده آسفالت تبریز-تهران است که در راستای شرق-غرب تقریباً از مرکز حوزه عبور می‌کند و جهت دسترسی به مناطق مختلف حوزه، یک جاده کلیدی محسوب می‌شود.

بسترهای جغرافیایی و تاریخی تشکیل، رونق و فروپاشی شهر اسلامی اوجان

آذربایجان از جمله مناطق مهم در مطالعات باستان‌شناسی ایران است. این امر به دلیل موقعیت جغرافیایی منحصر به فرد این منطقه و واقع شدن در مسیر راه‌های تجاری قفقاز، ترکیه و اروپا به ایران و شرق دور است. با قدرت یافتن ایلخانان مغول و پایتختی شهرهای آذربایجان، این منطقه بیش از پیش اهمیت یافت و مسیرهای تجاری آن به رونق زیادی دست یافتند که تبریز، اوجان، مراغه و سلطانیه از مهم‌ترین آن‌ها هستند.

نام بستان‌آباد به دلیل سرسبزی و خرمی این ناحیه به آن داده شده است. بستان در زبان ترکی آذربایجانی همان بوستان یا باغ معنا می‌شود و این منطقه به دلیل داشتن باغ‌های فراوان و خرمی بسیار به نام بستان‌آباد شهرت یافته است. شهرستان بستان‌آباد در محل شهر باستانی و گمشده اوجان، بنا شده است. در حال حاضر از این شهر مهم آثار اندکی عیان است (امیراحمدی، ۱۳۷۰: ۴۹). اوجان نام دهستانی از توابع شهرستان بستان‌آباد بوده و این شهر از مراکز دادوستد این دهستان بوده است. این منطقه به جهت آنکه در مسیر ارتباطی جاده ابریشم قرار داشته و از آب‌وهوای مناسب دامنه سهند برخوردار بوده، همواره دارای جمعیت بوده و در متون تاریخی اسامی «اوجن» و یا «اوجان» بارها تکرار شده است. این منطقه از همان زمان‌های قدیم محل اقامت و گذر بسیاری از کاروان‌ها و بازرگانان ایرانی، چینی، رومی و ترک بوده و از طرف شرق نزدیک‌ترین محل اقامت مسافران و بازرگانان، قبل از رسیدن به تبریز محسوب می‌شده است. در دوره ایلخانی به دلیل موقعیت خاص آن به لحاظ دارا بودن مراتع و باغات سرسبز در دامنه کوه سهند و همچنین علاقه خاص ایلخانان به شهرهای با موقعیت راهبردی و تجاری، مورد توجه ایلخانان مغول و به خصوص غازان خان قرار گرفت و یک ابواب‌البر و ارگ در هسته مرکزی شهر در آن ساخته شد و وقف خاندان ایلخانی ایران گردید (ولایتی و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۴). آنچه از منابع تاریخی برمی‌آید، نشانگر موجودیت این شهر در حوالی بستان‌آباد فعلی است که در دوره ایلخانی رونق می‌یابد، اما موجودیت آن به عنوان یک شهر به دوره‌های قبل از ایلخانی برمی‌گردد، چراکه منابع در قرن ۵ و ۶ ه.ق. از این شهر سخن به میان آورده‌اند و داده‌های باستان‌شناختی نیز بر صحت این موضوع تأکید دارند. اوجان در دوره‌های بعدی به خصوص تیموری، قره‌قویونلو و آق‌قویونلو، رونق و اهمیت خود را حفظ کرده است، اما از دوره قاجار به تدریج از اهمیت آن کاسته می‌شود و مسیر انحطاط و زوال را در پیش می‌گیرد (همان).

بررسی شهر تاریخی اوجان در مرحله تشکیل، رونق و فروپاشی براساس متون

بنابر گفته منابع تاریخی این شهر قبل از دوره ایلخانی به خصوص در دوره سلجوقیان هم وجود داشته است. این شهر در پی حوادث مختلف از جمله زلزله و جنگ‌های متعدد نتوانسته موجودیت خود را به عنوان یک شهر مهم و راهبردی حفظ کند و تنها در دوره ایلخانی است که این شهر به

شکوه و رونق شایسته خود دست می‌یابد. چون هر شهر یا بنای تاریخی معرف بخشی از وضعیت سیاسی، مذهبی و اجتماعی است که در پی تغییر و تحولات سیاسی به وجود آمده است، یکی از مهم‌ترین تحولات اجتماعی دوره ایلخانی پیدایش شهرهایی با ماهیت هنر معماری و شهرسازی خاص است. شهر تاریخی و باستانی اوجان از جمله شهرهای مهم دوره ایلخانی (اقامتگاه تابستانی خاندان شاهی ایلخانی) در جنوب شهر امروزی بستان آباد آذربایجان شرقی است که در دوره غازان خان ایلخانی بازسازی شده و مورد استفاده قرار گرفته است. یکی از این شهرها اوجان است که با هزینه حکومت ایلخانی ساخته شد و با تلاش وزرای ایرانی آن دولت، کالبد و جان مایه شهری اسلامی به خود گرفت. شهر وقفی اوجان در تداوم و در نقطه اوج رونق ساخت بناهای عمومی، نظامی و حکومتی در دوره ایلخانی بود که به تختگاه و محل پرورش شاهزادگان ایلخانی نیز تبدیل شده بود. احتمالاً این شهر کوچک که به آن «شهرک» نیز می‌توان اطلاق کرد، مجلل‌ترین و باشکوه‌ترین تختگاه ایلخانان و تجلی‌گاه شکوه و عظمت و یادآور دستاوردهای مهم سیاسی آن‌ها در آسیای غربی بوده است. بنابراین با توجه به اهمیت شهرسازی در طول دوران ایلخانی، در این گزارش سعی شده است تا براساس ارائه مستندات باستان‌شناسی و تاریخی به چگونگی تأسیس و شکل‌گیری این شهر پرداخته و تأثیر نهاد سیاسی و قدرت بر اوضاع اجتماعی و فرهنگی ایران در دوره ایلخانی با محوریت شهر اوجان مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

بررسی شهر تاریخی اوجان در مرحله تشکیل، رونق و فروپاشی از قول مورخین و سیاحان

برطبق تاریخ وصاف این شهر در سال ۶۹۸ ه.ق. به دستور غازان خان با عنوان «شهر اسلام اوجان» ساخته شده است (شیرازی، ۱۳۳۸: ۲۳۱؛ وصاف‌الحضره، ۱۳۳۸: ۲۳۱). رشیدالدین فضل‌الله در کتاب تاریخ مبارک غازانی چندین بار از شهر اوجان سخن به میان آورده است و درباره جشن بزرگ غازان خان در اوجان شرح کوتاهی آورده است (همدانی، ۱۳۸۸: ۱۳۷). اما حمدالله مستوفی توصیف نسبتاً کامل تری از این شهر ارائه کرده است: «آن را بیژن بن گیو بن گودرز ساخت و غازان خان تجدید عمارتش کرد، از سنگ و گچ بارو کشید و شهر اسلام خواند و دارالملک ساخت. هوایش سرد و آبش از کوه سه‌ه‌ند جاری است، حاصلش غله و بقولات بود. میوه اوجان از اقلیم چهارم است و آن را از توابع ناحیت مهران رود (تبریز) شمرده‌اند. مردمش سفید چهره و شافعی مذهب‌اند. دور باروی غازانی سه هزار گام (۲ کیلومترمربع) بود. هوایش سردست و آبش از کوه سه‌ه‌ندست... و با حاصل شهر به وقف ابواب البرّ غازانی تعلق دارد...» (مستوفی، ۱۳۸۱: ۱۲۷). در کتاب حبیب‌السیب اثر غیاث‌الدین حسینی معروف به خواندمیر آمده است: «در سال‌های بین ۷۴۰ تا ۸۰۶ ه.ق.، حوادث مهمی در اوجان روی داد تا اینکه امیر تیمور هنگام عزیمت به تبریز، چندروز در قصر غازانی اوجان به استراحت پرداخت و علما و سادات و عرفای تبریز در مجالس مباحثه در حضور وی شرکت کردند. در سال ۸۲۳ ه.ق. قره‌یوسف ترکمان، در اوجان از دنیا رفت. در سال ۸۳۹ ه.ق. در شهر اوجان فرمانروایی آذربایجان از طرف شاهرخ به امیر جهان‌شاه واگذار شد. فرمانروایان ترکمانان و صفویه مدت‌ها در قصر غازانی در اوجان مجالس عیش و نوش داشتند» (خواندمیر، ۱۳۳۳: ۴۸۹). اما در روزگار فرمانروایان بعدی آذربایجان، حوادث و جنگ‌های خونین متعددی اوجان را در معرض انهدام و ویرانی قرار داد که امروزه از آن همه آبادانی و زیبایی فقط یک رودخانه به نام «اوجان چای» و دو دهستان به نام «اوجان شرقی و غربی» در جغرافیای شهر بستان آباد دیده می‌شود. یکی از دقیق‌ترین توصیفات از شهر اوجان را اولیاءچلبی سیاح معروف تُرک ارائه کرده است. اولیاءچلبی که در سال ۱۰۵۰ ه.ق. در زمان سلطنت شاه صفی از آذربایجان دیدن کرده و شهر اوجان را از نزدیک دیده بود، آن را چنین توصیف کرده است: «این شهر در زمان قدیم بسیار بزرگ بوده، لکن

در حکومت و استیلای هلاکوخان خراب و ویران شده و اهالی آن به تبریز کوچ کرده‌اند. بعد از هلاکوخان در سال ۶۹۶ ه.ق. غازان خان قلعه این شهر را تعمیر و ترمیم نموده است. در دامنه کوه اوجان، قلعه مربع‌شکلی وجود دارد. محیط این قلعه دوهزار گام (۱/۵ کیلومترمربع) است. به طرف شرق یک درآهنی دارد. قلعه بقدر سه هزار خانه گلی، هفت باب مسجد، سه حمام و هفت مهمانسرا و ۶۰۰ دکان دارد (اولیاءچلبی، ۱۳۱۴).

همچنین نصح مطراقچی در کتاب سلیمان نامه شرح مصور منازل مسیر لشکرکشی سلطان سلیمان عثمانی از استانبول به سمت غرب ایران را ارائه نموده است. وی خطاط، نقاش و مورخ بوده است و توصیف وی از اوجان نیز به صورت مصور است (مطراقچی، ۱۳۷۹: ۷۷)، (تصویر ۲).



تصویر ۲. توصیف مصور از شهر اوجان به قلم مطراقچی (مطراقچی، ۱۳۷۹: ۷۷)؛ فضاهای احتمالی: ۱-کوشک غازان خان، ۲- رودخانه اوجان منشعب از کوه سه‌سهند، ۳- قلعه یا ارگ حکومتی، ۴- واحه‌های انباشت آب.

مهم‌ترین بخش کتاب عبارت است از مینیاتورهایی از شهر که از نظر نمایش ترکیب عناصر شهر و فضابندی آن‌ها در ارتباط با هم و ارائه نمونه‌هایی از تاریخ معماری منطقه دارای ارزش فراوان هستند. گی لسترنج جغرافیدان غربی نیز در کتابش به این شهر اشاره کرده است: «اوجان در ساحل یکی از شاخه‌های سمت چپ جنوب رودخانه سراوشهر سراب واقع است... در زمان ایلخانیان غازان خان به تجدید عمارت آن همت گماشت». نام این شهر در کتاب لسترنج «اوجان» آمده است که از راه میانه ده فرسنگ (۶۰ کیلومتر) تا تبریز مسافت دارد (لسترنج، ۱۳۷۴: ۱۷۵)، (تصویر ۳).

بررسی شهر تاریخی اوجان در مرحله تشکیل، رونق و فروپاشی براساس یافته‌های باستان‌شناسی

شناسایی محل شهر تاریخی اوجان براساس بررسی باستان‌شناختی منطقه بستان‌آباد در سال ۱۳۹۲ ه.ش. است. توصیف‌های ارائه شده از شهر اوجان در متون تاریخی و جغرافیایی و خصوصاً تصویری که مطراقچی از این شهر برجای گذاشته است، کمک شایانی به شناسایی موقعیت این شهر گمشده می‌نماید. امروزه بقایای این شهر باستانی در جانب شمالی اوجان چای از جنوب و شرق



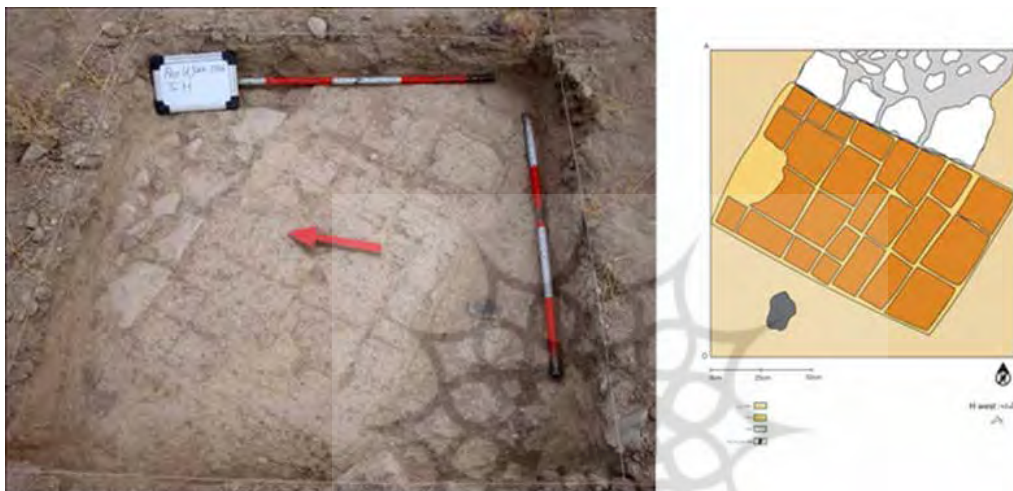
تصویر ۳. موقعیت اوجان در شرق کوه سهند (لسترنج، ۱۳۷۷: ۸۰).

شهرک صنعتی شماره ۱ بستان آباد تا غرب روستای اشرف آباد در ناحیه موسوم به «دالی دره‌سی» امتداد یافته است و محیط تاریخی این شهر بالغ بر ۱۲۰ هکتار است (ولایتی، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۲). در محدوده شهر اوجان مطالعات میدانی به صورت بررسی‌های پیمایشی و دقیق و همچنین عملیات گمانه‌زنی و کاوش منجر به کشف و شناسایی آثار مختلف از این دوره گردید. وجود سفال‌های مختلف دوره اسلامی از قرن ۶ تا ۱۴ ه.ق. (از سلجوقی تا قاجار)، مسکوکات مفرغی متعلق به دوره ایلخانان، فضاها و ساختارهای معماری ابعاد مختلفی از سکونت و تداوم استقرار را در این شهر به نمایش می‌گذارد.

۱. معماری و شهرسازی شهر اوجان اسلامی

محوطه شهر اوجان همانند سایر شهرهای باستانی ایران، متشکل از سه بخش ارگ، ربض و شارستان بوده که تعیین محل دقیق تاحدودی براساس بقایای ساختارهای این شهر مشخص است. به نظر می‌رسد محدوده ارگ دارای بارویی به شکل مربع بوده و برخلاف اکثر شهرهای اسلامی که ارگ آن در میانه شهر دیده می‌شود، در شهر اوجان ارگ در بالاترین نقطه، در شرق شهر ساخته شده است. این قسمت که به شکل تپه‌ای مخروطی شکل با مقطعی بیضی شکل است، حدود ۱۰ متر بالاتر از زمین‌های اطراف قرار دارد. بقایای دیوارهای سنگی ارگ با ملات گچ و آهک به قطر متوسط یک متر بر اثر حفاری‌های قاجاقچیان در این قسمت دیده می‌شود (تصویر ۴). بقایای سطحی محوطه نشان می‌دهد که احتمالاً محل کوشک یا کاخ در جنوب غربی ارگ (طبق نقاشی چلبی در شمال غرب ارگ است) به فاصله تقریبی ۱۰۰ متری داخل حصار قرار داشته است. محل شارستان و ربض در غرب محدوده ارگ در ناهمواری‌های پست‌تر از ارگ قرار گرفته و فعالیت‌های کشاورزی و تسطیح اراضی موجب تخریب این بخش شده است. حتی محل کنونی روستای اشرف آباد نیز می‌تواند یکی از پیش‌فرض‌های محل احتمالی شارستان و ربض باشد و احتمال می‌رود هنگام ساخت جاده دسترسی روستا، قسمتی از محدوده ربض از بین رفته است (ولایتی و همکاران ۱۳۹۳: ۸۴). از جمله آثار منقول و غیرمنقول که از کاوش و بررسی‌های باستان‌شناختی این شهر به دست آمده،

شامل ساختارهای سنگی و خشتی (تصاویر ۴ و ۵) و کاشی‌های متعددی است که احتمالاً متصل به بناها بوده‌اند. این کاشی‌ها به صورت آجر کاشی و کاشی معرق هستند که به وفور نمونه‌های آن‌ها در سطح محوطه قابل مشاهده است (تصویر ۶). در عملیات کاوش در قلعه یا ارگ شهر اوجان، برج نمای شمالی آن کشف گردید (تصویر ۵). نتایج کاوش در این محدوده نشان می‌دهد که ارگ حکومتی شامل یک ساختمان عظیم یا یک قلعه کوچک است که در چهارگوشه آن یا دوگوشه آن برج مدور بزرگی تعبیه شده است. آثار به دست آمده از این کاوش نشان می‌دهد که این ساختار به احتمال از دوره سلجوقی و ایلخانان بوده است و وجود سکه مفرغی از این دوره نشان می‌دهد که ارگ در دوره ایلخانان دایر بوده است (ولایتی، ۱۳۹۶). مطالعات تطبیقی این بنا و ویژگی‌های معماری آن با طرح مطراچی از کوشک سلطنتی اوجان تفاوت‌های زیادی را نشان می‌دهد.



تصویر ۴. ساختار خشتی به دست آمده از محوطه (نگارندگان).



تصویر ۵. کشف یکی از برج‌های نمای شمالی کاخ حکومتی یا سلطنتی در شهر اوجان (نگارندگان).



تصویر ۶. نمونه کاشی‌های معرق و بزرگ فیروزه‌ای کشف شده از محوطه (نگارندگان).

تحلیل این دو سند از اوجان (طرح مطراچچی و یافته‌های باستان‌شناختی از کاوش در ارگ) چنین می‌توان طرح مسأله کرد که طرح مطراچچی به عنوان یک کوشک دوره صفوی یا دچار اشتباه در مصور آن شده است و یا اینکه تصویر مطراچچی از کوشک اوجان، یک بنای دیگر و غیر از بنای کاوش شده در قسمت شرقی بقایای شهر اوجان است و پاسخ به چنین پرسشی تنها از طریق ادامه کاوش‌ها در این شهر محقق می‌شود.

۲. قبرستان‌های ایلخانی غرب و شرق محوطه

برروی محوطه شهر تاریخی اوجان سه قبرستان بزرگ در جنوب غربی، غرب و شمال آن مورد

شناسایی قرار گرفته است (تصاویر ۷ و ۸). متأسفانه دو قبرستان مورد تخریب شدید قرار گرفته و تقریباً بخش بزرگی از این دو قبرستان نابود شده است. قبرستان شمالی به دلیل احداث شهرک صنعتی مورد تخریب قرار گرفته و قبرستان جنوب غربی به دلیل احداث بزرگراه تبریز-زنجان به شدت تخریب و نابود شده است. هردو قبرستان براساس فرم و ساختار اسلامی هستند. ساختار سنگ قبرها به صورت صندوقچه‌ای با سنگ قبرهای تخت بوده و در مصالح آن‌ها گاهی از خشت‌های خام و مربع شکل استفاده شده است.



تصویر ۷. نمونه‌ای از ساختار مشخص در قبور دیواره غربی بزرگراه تبریز-زنجان (نگارندگان).



تصویر ۸. نمونه‌هایی از سنگ، آجر و استخوان‌های یافت‌شده از قبور غربی بزرگراه تبریز-زنجان (نگارندگان).

۳. آثار معماری دو برج آرامگاهی در داخل شهر اوجان و یک برج آرامگاهی در شمال غرب در جنوب شرق و جنوب شهر تاریخی اوجان دو برج آرامگاهی با پایه مدور کشف شد. برج آرامگاهی دیگری نیز در ۲ کیلومتری شمال غرب شهر اوجان و در شمال غرب شهر بستان آباد واقع شده است که در حین بررسی باستان‌شناسی مرحله سوم بستان آباد قبلاً شناسایی و معرفی شده بود. هر سه برج آرامگاهی کاملاً تخریب شده و فقط سرداب آرامگاه مدور آن‌ها باقی مانده است (تصاویر ۹ و ۱۰). مصالح به‌کاررفته در پایه برج‌های آرامگاهی، سنگ رودخانه‌ای بوده و ملات آن ساروج است. در کف برج، دریچه‌ای به‌عنوان ورودی قرار داده شده است. از مقدار آجرهای سالم و خردشده و کاشی‌های خردشده سیاه و آبی فراوان در اطراف برج‌های آرامگاهی مشخص می‌شود که این تزئینات در دیوار برج‌های تخریب شده به‌کار رفته بود که در اثر تخریب شهر، آن‌ها کاملاً تخریب شده‌اند. وضعیت کنونی این اثر و ویژگی‌های ظاهری آن اطلاعات کافی در خصوص گاه‌نگاری این مقابر در اختیار قرار نمی‌دهد و در نتیجه تعیین تکلیف این اثر نیاز به کاوش‌های باستان‌شناختی بیشتر و تکمیل مطالعات در این قسمت از شهر دارد. لازم به توضیح است که ساخت مقابر مدور در



تصویر ۹. نمونه معماری مدور پایه برج‌های آرامگاهی شهر تاریخی اوجان - بستان آباد (نگارندگان).

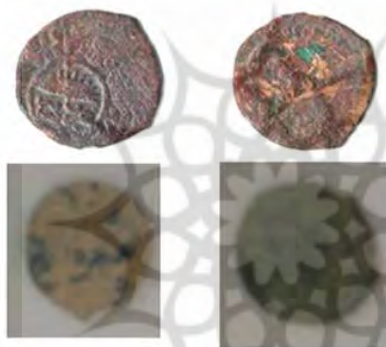


تصویر ۱۰. موقعیت آثار معماری دو برج آرامگاهی سلجوقی یا ایلخانی در داخل شهر تاریخی اوجان (نگارندگان).

قرون میانی اسلامی منطقه رایج بوده که مقابر شیخ حیدر مشکین شهر (ترابی طباطبایی، ۱۳۵۵)، گنبد سرخ مراغه (کیانی، ۱۳۹۳) و گنبد الله‌الله شیخ صفی از آن جمله‌اند.

۴. سکه ایلخانی شهر اوجان.

از یافته‌های باستان‌شناسی مهم این محوطه، سکه‌های مسی دوره ایلخانی است. این سکه‌ها در بررسی باستان‌شناسی مرحله دوم بستان‌آباد از روی محوطه اوجان و همچنین عملیات کاوش و گمانه‌زنی به دست آمده‌اند (ولایتی، ۱۳۹۲؛ ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶). ضمن پاک‌سازی این سکه‌ها مشخص شد که متعلق به دوره ایلخانی و قرن ۷ یا ۸ هستند. بر روی یکی از سکه‌ها، نوشته ضرب تبریز نیز خوانده می‌شود (تصویر ۱۱). همچنین از طی گمانه‌زنی در محدوده غربی و شمالی این محوطه به سال ۱۳۹۵ ش. دو سکه مفرغی دیگر یافت گردید که هر دو این سکه‌ها متعلق به دوره ایلخانان هستند (ولایتی، ۱۳۹۵). از کاوش در ارگ اوجان نیز یک نمونه سکه متعلق به این دوره از انباشت‌های شکل‌گرفته در حاشیه قلعه به دست آمد که گویای ایلخانی بودن بنای کاوش شده است (ولایتی، ۱۳۹۶).



تصویر ۱۱. سکه ایلخانی مکشوفه از محوطه کولر اشرف‌آباد که در تاریخ‌گذاری محوطه حائز اهمیت است (ولایتی، ۱۳۹۲: ۳۸۰).

۵. گونه‌شناسی سفال‌های سلجوقی و ایلخانی شهر اوجان بر اساس کاوش

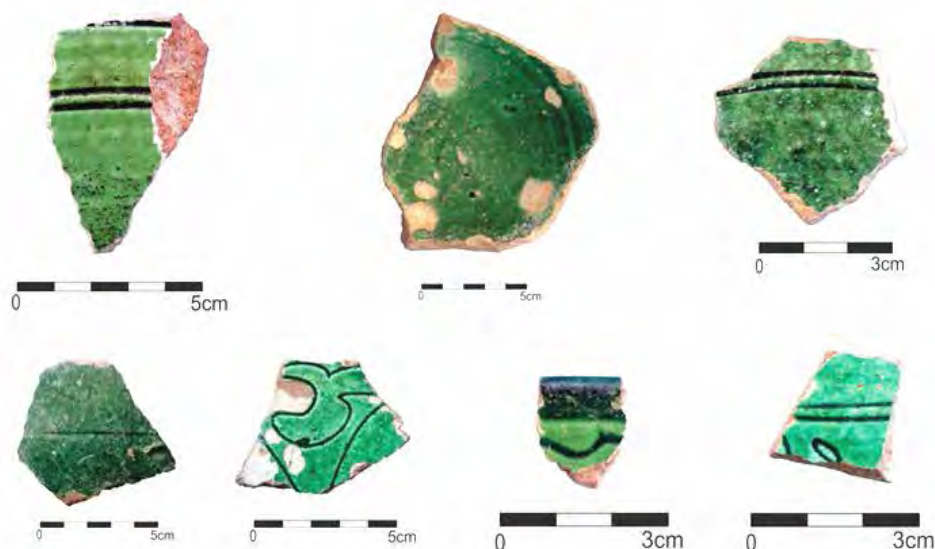
سفال‌های شناسایی شده از دوره سلجوقی این محوطه، شامل سفال‌های اسگرافیاتو و آقکند هستند. حکاکی بر سطح سفال یکی از شیوه‌های اولیه و رایجی بود که توسط سفال‌گران مسلمان در دوران میانه گسترش یافت. این شیوه به اشکال مختلف بسط داده شد؛ از حکاکی خطوط باریک بر سطح سفال و گاه بر سطح گلابه، تا تراشیدن گلابه و سفال. نتیجه نهایی، سطح برجسته‌ای با ظرافت و پیچیدگی‌های خاص، به خصوص در مورد ظروفی بود که حکاکی برای تأکید بر شفافیت رنگ‌ها به کار می‌رفت و نقش‌ها را برجسته‌تر می‌کرد. نخستین شیوه در متون قدیمی «اسگرافیاتو» نامیده و در ظروف لعاب‌لکه‌ای عباسی، یافت شده در سامرا دیده شده و پس از آن به شیوه کار سفال‌گران سامانی نیشابور و سمرقند بدل شده است. اسگرافیاتو در ظروف منسوب به آمل نقش‌ونگارهای بسیار زیبا و تزئینی پیدا کرد و ظروف آقکند به اوج خود رسید (گروبه، ۱۳۸۴: ۱۰۱). «اسگرافیتو Sgraffito» از کلمه اسگرافایر ایتالیایی گرفته شده که به معنای خراش دادن است و به شیوه‌ای در سفال‌گری اسلامی اطلاق می‌شود که در آن سفال با روکش گلی نازک پوشانده می‌شود و سپس طرح بر روی آن، قبل از لعاب اصلی، حکاکی می‌شود (ویلسن‌آلن، ۱۳۸۳: ۱۶). باتوجه به بررسی‌های کنگاور، تخت سلیمان، آمل، آقکند، سوگند زنجان، سلطانیه، قزوین و همدان به عنوان مراکز ساخت این‌گونه سفال عنوان شده است (توحیدی، ۱۳۷۸: ۲۶۹). در محوطه اوجان هر دو

گونه سفال یعنی سفال اسگرافیاتو به وفور و سفال نوع آقکند به ندرت دیده می‌شود (تصاویر ۱۲ و ۱۳).

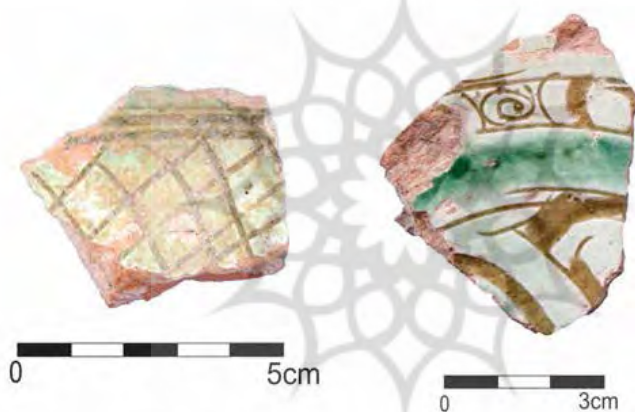
گونه دیگر سفال دوره سلجوقی محوطه، سفال نوع آقکند است. روستایی به نام آقکند در منطقه‌ای واقع میان زنجان، تبریز و اردبیل، خاستگاه گروه بزرگی از نمونه‌های سفالی تاریخ ایران اسلامی است. این نوع سفال با شیوه نقش‌کنده ساخته شده که در آن سفال با روکش گلی نازک پوشانده می‌شود و سپس طرح بر روی آن، قبل از لعاب اصلی، حکاکی می‌شود. بیشتر تزئین این گروه شامل نقش بزرگ جانوری در مرکز و نقش گیاهی در پس‌زمینه است که با لعاب‌های سربی به رنگ‌های زرد، سبز و قهوه‌ای تزئین شده‌اند. گزا فهروری، در کتاب‌های *Ceramic The Islamic World* و *Islamic Pottery* به قطعه سفال تاریخ‌داری از نوع، آقکند اشاره دارد که در موزه اسلامی برلین نگهداری شده و دارای تاریخ ۵۲۸ ه.ق. است. گروه سفالینه نقش‌کنده آقکند را به قرن ۱۲ میلادی نسبت می‌دهد (Fehervari, 2000: 81). در دوره سلجوقی و ایلخانی نوع خاصی از سفال چرخ‌ساز بدون لعاب با کیفیت متوسط به رنگ قهوه‌ای احتمالاً به عنوان سفال مصرفی در آذربایجان رایج می‌شود که باتوجه به زمینه تاریخی منطقه ساخت این نوع سفال با عنوان «سفال‌های بدون لعاب اتابکان آذربایجان» معرفی شده است. این سفال‌ها از لحاظ فراوانی بیشترین تعداد را در محوطه‌های قرون میانی اسلامی در آذربایجان دارند. این سفال‌ها در جداره بیرونی و درونی به رنگ قهوه‌ای بوده در جداره بیرونی اغلب این سفال‌ها نقوش‌کنده عموماً در اطراف لبه و روی دسته و شانه ظروف دیده می‌شود. برخی اوقات نوارهایی به صورت افزوده به حالت کمربندی بر روی شانه ظروف مشاهده می‌شود که بر روی این نوارهای افزوده نقوش مدورهای تورفته با فاصله دو سانتی‌متری از یکدیگر ایجاد شده است (خانعلی، ۱۳۹۲: ۹۷)، (تصویر ۱۳).

از سفال‌های شاخص دوره ایلخانی منطقه، سفال‌های قالب‌زده هستند. این نوع تزئین را روی سفال‌های بدون لعاب کوچکتر به تقلید از ظروف فلزی روی سفال‌هایی که سطح کاملاً کروی ندارند، استفاده شده است (توحیدی، ۱۳۷۸: ۲۵۹). سفال‌های با نقش قالب‌زده از سفال‌های رایج در سده پنجم ه.ق. (همان: ۲۶۴) بوده که در سده‌های ششم و هفتم ه.ق. نیز ساخت آن ادامه پیدا می‌کند (همان: ۲۷۱)، (تصویر ۱۴).

در محوطه اوجان وجود سفال از گونه‌های اسگرافیاتو که به همراه سفال‌های آقکند یافت می‌شود نشانه‌های بارزی از وجود و حیات محوطه اوجان در دوره سلجوقی بوده است. اما با گذر زمان وجود سفال‌های دوره میانه اسلام از دوره‌های ایلخانی تا دوره صفوی (تصویر ۱۵)، بیانگر اوج شکوفایی در حیات سیاسی این شهر است که در دوره ایلخانان به عنوان پایتخت تابستانی استفاده می‌شده است. کاوش در محدوده معروف به ارگ شهر اوجان استفاده از این بنای مهم را در دوره‌های مختلف نشان می‌دهد. وجود سفال‌هایی از دوره ایلخانی در پایین‌ترین لایه‌های محدوده ارگ بیانگر وجود بنا و استفاده آن در این دوره و اوج حیات شهر اوجان است که در لایه‌های بالایی آن وجود سفال‌هایی که معمولاً در اواخر دوره تیموری و اوایل دوره صفوی مرسوم می‌گردند، نشان می‌دهد همچنان شهر در این دوره از اهمیت زیادی برخوردار بوده است، چنان‌چه در روایات تاریخی نیز تیمورخان در این بنا منزل کرده و رجال تبریز به دیدار وی می‌آیند. از طرف دیگر هیچ سفالی که بتوان آن را به دوره قاجار نسبت داد در این محوطه چه از کاوش در گمانه‌های مختلف در حوالی شهر اوجان (ولایتی، ۱۳۹۵) و یا کاوش در ارگ سلطنتی آن (ولایتی، ۱۳۹۶) یافت نگردید. تنها در آثار سطحی این محوطه سفال‌های نخودی با نقش خراشیده ظریف دیده می‌شود که نمونه‌های مشابه آن در محوطه ارگ علیشاه لایه‌های مربوط به دوره قاجار (آجورلو، ۱۳۹۵) و همچنین سطوح بالایی برج بزرگ محوطه ربع‌رشیدی تبریز (آجورلو، ۱۳۹۶) دیده می‌شود که می‌توان آن‌ها را به دوره قاجار نسبت داد.



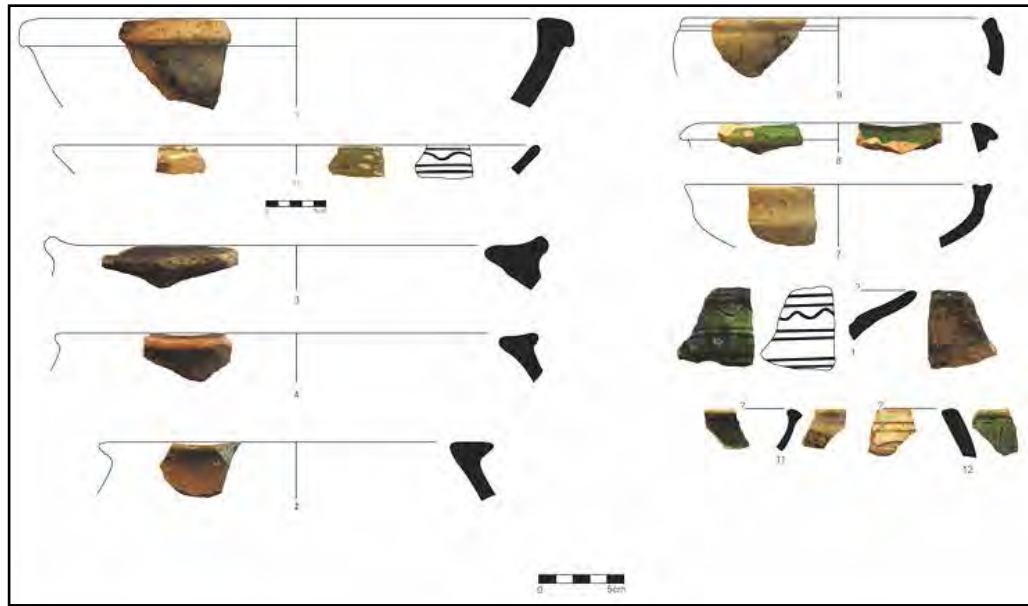
تصویر ۱۲. نمونه سفال‌های اسگرافیاتو به دست آمده از گمانه‌زنی‌های قسمت غربی و شمالی شهر اوجان (ولایتی، ۱۳۹۵).



تصویر ۱۳. نمونه سفال‌های آق‌کند به دست آمده از گمانه‌زنی‌های محوطه اوجان (نگارندگان).



تصویر ۱۴. نمونه سفال‌های قالبی و چرخ‌ساز با نقوش مهرزده و قالبی به دست آمده از گمانه‌زنی قسمت غربی شهر اوجان (ولایتی، ۱۳۹۵).



تصویر ۱۵. سفال‌های اسگرافیاتو و ساده به دست‌آمده از انباشت‌های زیرین کاوش ارگ اوجان (ولایتی، ۱۳۹۶).

نتیجه‌گیری

در تبیین ویژگی‌های شهری، شهرهایی که در مسیر شبکه‌های اصلی ارتباطی و تجاری واقع شده‌اند و از هر سمت امکان برقراری ارتباط با سایر شهرهای عمده را دارند و یا باتوجه به موقعیت جغرافیایی از منابع آب دائمی و فراوان برخوردارند، بیشتر امکان توسعه و پایداری سکونت در آن نقطه را دارا هستند. بنابراین موقعیت قرارگیری شهر بر سر راه‌های تجاری مهمی که در اثر آن شهرها بتوانند نیازهای خود را از طریق آن‌ها برطرف سازند و مازاد تولید را صادر کنند، پراهمیت بوده است. بنای شهر در مسیر راه‌های اصلی از اهمیت ویژه‌ای بهره می‌برده و قرارگرفتن در میان سایر مراکز مبادلات تجاری باعث می‌شد که اقتصاد آن شکوفا و زندگی ساکنان آن توأم با آسایش و ثروت باشد. در چنین شرایطی است که در شهرهای قدیم تغییراتی متناسب با فعالیت‌های بازرگانی به وجود آمده و در نزدیکی برخی از کاروانسراها و استراحت‌گاه‌های کوچک میان‌راه، شهرک‌ها و شهرهای بازرگانی ایجاد شد و یا شهرهای تازه بنیاد، پا گرفت که شهر اوجان از جمله مهم‌ترین آن‌ها در قرون میانی اسلامی در منطقه شمال غرب ایران-آذربایجان بوده است.

شهر اوجان سرگذشت و حیان پرفراز و نشیبی در تاریخ ایران دارد. بنابر استنادات تاریخی و مدارک باستان‌شناختی به دست‌آمده از این محوطه، این شهر و حیات آن از دوره سلجوقی و شاید قدیم‌تر از آن شکل گرفته بوده است. چنان‌چه وجود سفال‌های شاخص به دست‌آمده از این محوطه بیانگر آن است، این محوطه در دوره سلجوقی در کناره جنوبی رودخانه اوجان چای و درکنار چمن‌زاری وسیع قرار داشته است. وسعت محوطه در این دوره نامشخص بوده، اما چنان‌چه در اسناد تاریخی ذکر آن به میان آمده، گویی در این دوره نیز یک محوطه و سکونتگاه معروف بوده است. شکوه و جلال این شهر با آغاز ایلخان آغاز می‌گردد. چنان‌چه باتوجه به استنادات تاریخی این شهر در دوره ی غازان خان تجدید و نو گردیده و به‌عنوان پایتخت تابستانی انتخاب می‌گردد. این شهر پس از دوره ایلخانان در دوره تیموری همچنان شهر پررونقی بوده است و دارالسلطنه آن چندروزی تیمورخان را میزبانی کرده است. این شهر باتوجه به این‌که ما بین شهرهای عمده چون تبریز و زنجان قرار می‌گرفته و مابین شهر میانه و تبریز تنها شهر و مکان ایمن برای استراحت و اتراق

بوده، همچنان تا دوره صفوی رونق خود را داشته است. اما از دوره قاجار گویی افول این شهر آغاز می‌گردد، چنان‌چه از دوره قاجار یا به سخن دیگر بعد از آن‌که مطراقچی از این شهر بازدید می‌کند، دیگر نشانی از آن در تاریخ و اسناد تاریخی دیده نمی‌شود. از طرف دیگر چنان‌چه داده‌های باستان‌شناختی نیز بر این ادعا صحنه می‌گذارد که شهر اوجان در دوره قاجار به فروپاشی کامل رسیده و دیگر چراغ این شهر در تاریخ کم‌سو گشته و تنها خرابه‌های آن امروزه در جنوب غربی شهر فعلی بستان آباد یادگاری از تاریخ پرشکوه این شهر است.

پی‌نوشت

۱. برای اطلاعات بیشتر، ک. به: 81: Fehervari, 2000 و کامبخش فرد، ۱۳۷۹: ۴۵۹.

کتابنامه

- آجورلو، بهرام (۱۳۹۵). «گزارش کاوش محوطه ارک علیشاه تبریز»، تهران: بایگانی پژوهشگاه میراث فرهنگی. پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- آجورلو، بهرام (۱۳۹۶). «گزارش کاوش ربع‌رشیدی تبریز»، تهران: بایگانی پژوهشگاه میراث فرهنگی. پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- امیراحمدی، بهرام (۱۳۷۰). «اوجان (قسمت اول)». رشد آموزش جغرافیا. شماره ۲۵ و ۲۶. صص: ۴۹-۵۳.
- اولیاءچلیبی، محمدظلی بن درویش (۱۳۱۴). اولیاءچلیبی سیاحتنامه‌سی. استانبول: اقدام مطبع‌سی.
- پاپلی‌یزدی، حسین؛ و رجبی‌سناجردی، حسین (۱۳۸۷). نظریه‌های شهر و پیرامون. تهران: سمت.
- ترابی طباطبائی، جمال (۱۳۵۵). آثار باستانی آذربایجان. ج ۲، تبریز، نشر ترابی طباطبائی.
- توحیدی، فائق (۱۳۷۸). فن و هنر سفالگری، تهران، انتشارات سمت.
- توحیدی، فائق؛ کبیری، احمد؛ و مهریار، محمد (۱۳۶۵). «بررسی و پیگردی برج و باروی ارگ شهر قدیم سلطانیه». اثر. شماره ۱۲، ۱۳ و ۱۴. سازمان ملی حفاظت از آثار باستانی ایران. صص: ۲۶۴-۲۰۹.
- حسینی، غیاث‌الدین (خواندمیر)، (۱۳۶۲). حبیب‌السیرفی اخبار افراد بشر. جلد ۴، تصحیح: محمد دبیر سیاقی، مقدمه: جلال‌الدین همایی، تهران: نشر خیام.
- خانعلی، حمید (۱۳۹۲). «مطالعه آثار دوره اسلامی شهرستان کوثر استان اردبیل براساس بررسی باستان‌شناسی منطقه». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. باستان‌شناسی. دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).
- خواندمیر (۱۳۳۳). حبیب‌السیرفی اخبار افراد بشر. جلد ۴. تصحیح محمد دبیرسیاقی. مقدمه جلال‌الدین همایی، تهران: نشر خیام.
- خیرآبادی، مسعود (۱۳۷۶). شهرهای ایران. ترجمه حسین حاتمی‌نژاد و عزت‌الله مافی، مشهد: انتشارات مهشید.
- رضوی، ابوالفضل (۱۳۸۷). «نگرشی بر حیات شهری در ایران دوران اسلامی (از آغاز تا قرن هفتم ه.ق.)». مجله پژوهش‌های تاریخی دانشگاه سیستان و بلوچستان. صص: ۱۳۴-۱۰۵.
- زیاری، کرامت‌الله (۱۳۸۲). «تأثیر فرهنگ در ساخت شهر (با تأکید بر فرهنگ اسلامی)». مجله جغرافیا و توسعه. دوره ۱. شماره ۲. صص: ۹۵-۱۰۵.

- سرافراز، علی‌اکبر (۱۳۶۱). «گزارش کاوش در محوطه مسجد جامع علیشاه در تبریز». تهران: آرشیو سازمان میراث فرهنگی کشور (منتشر نشده).
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۶۵). مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران. تهران: نشر آبی.
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۷۲). «تأثیر اسلام در ساخت شهر». مجله معماری شهرسازی. شماره ۲۵. صص: ۵۲-۳۷.
- عثمان. محمد عبدالستار (۱۳۷۶). مدینه اسلامی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کامبخش فرد، سیف‌الله (۱۳۸۰). آثار تاریخی ایران. تهران: نشر مؤسسه تعاون سازمان میراث فرهنگی تهران.
- کریمی‌ان، حسن (۱۳۸۴). «ضرورت بهره‌گیری از تئوری‌های جدید در تحلیل ساختار فضایی بافت‌های کهن». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. دوره ۵۶. شماره ۱۷۲. صص: ۱۲۱-۱۱۱.
- پطروشفسکی، ایلیا پاولوویچ (۱۳۵۷). کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول. ترجمه کریم کشاورز، تهران: نیل.
- کی‌نژاد، محمدعلی؛ و بلالی اسکویی، آزی‌تا (۱۳۹۰). بازآفرینی ربع رشیدی براساس متون تاریخی. نشر متن.
- کیانی، محمدیوسف (۱۳۶۵). نظری اجمالی به شهر و شهرنشینی در ایران. تهران: انتشارات ارشاد اسلامی.
- کیانی، محمدیوسف (۱۳۹۳). تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی. تهران: انتشارات سمت.
- گروبه، ارنست. ج (۱۳۸۴). سفال اسلامی. جلد هفتم از گزیده ده جلدی مجموعه هنرهای اسلامی. گردآوری ناصر خلیلی. ترجمه فرناز حائری، تهران، نشر کارنگ.
- لسترنج، گی (۱۳۷۷). جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی. ترجمه عرفان، تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۶۲). نزهة القلوب. به اهتمام و تصحیح گای لیسترانج، تهران: نشر دنیای کتاب.
- مطراقچی، نصح (۱۳۷۹). بیان منازل. ترجمه و تعلیق رحیم رئیس‌نیا، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- معصومی، غلامرضا (۱۳۸۳). تاریخچه علم باستان‌شناسی. تهران: انتشارات سمت.
- همدانی، خواجه رشیدالدین فضل‌الله (۱۳۸۸). تاریخ مبارک غازانی. به تصحیح کارل یان، تهران: نشر پرسش.
- هویدا رحیم (۱۳۵۴). «معرفی شهر تاریخی گمشده اوجان». مجله بررسی‌های تاریخی. شماره ۵۹، صص: ۱۱۱-۱۴۲.
- ورجاوند، پرویز (۱۳۶۶). کاوش رصدخانه مراغه. تهران: امیرکبیر.
- وصاف‌الحضرة (۱۳۳۸). تاریخ وصاف: در احوال سلاطین مغول. تهران: نشر ابن‌سینا.
- شیرازی، فضل‌الله (۱۳۳۸). وصاف‌الحضرة. تاریخ وصاف: در احوال سلاطین مغول. تهران: نشر ابن‌سینا.
- ولایتی، رحیم (۱۳۹۵). «گزارش بررسی باستان‌شناسی منطقه بستان‌آباد». مرحله دوم، با همکاری: سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری استان آذربایجان شرقی و مؤسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران (منتشر نشده).
- ولایتی، رحیم، (۱۳۹۶). «کاوش و گمانه‌زنی به منظور تعیین عرصه و پیشنهاد حریم شهر

- تاریخی اوجان-بستان آباد». آذربایجان شرقی (چاپ نشده).
- ولایتی، رحیم (۱۳۸۵). «گزارش بررسی باستان‌شناسی منطقه بستان آباد. مرحله اول، با همکاری سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان آذربایجان شرقی و مؤسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران، تهران: بایگانی پژوهشکده باستان‌شناسی پژوهشگاه میراث فرهنگی (منتشر نشده).
- ولایتی، رحیم (۱۳۹۲). «گزارش بررسی باستان‌شناسی منطقه بستان آباد. مرحله دوم، با همکاری سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان آذربایجان شرقی و مؤسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران، تهران: بایگانی پژوهشکده باستان‌شناسی پژوهشگاه میراث فرهنگی (منتشر نشده).
- ولایتی، رحیم (۱۳۹۳). «گزارش بررسی باستان‌شناسی منطقه بستان آباد. مرحله سوم، با همکاری سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان آذربایجان شرقی و مؤسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران، تهران: بایگانی پژوهشکده باستان‌شناسی پژوهشگاه میراث فرهنگی (منتشر نشده).
- ویلسن آلن، جیمز (۱۳۸۳). *سفالگری اسلامی*. مجموعه آثار هنر اسلامی جلد ۸. ترجمه مهناز شایسته فر، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
- یوسفی فر، شهرام (۱۳۸۵). «بررسی ویژگی‌ها و مؤلفه‌های تاریخی مفهوم شهر در سده‌های میانه تاریخ ایران». *مجله فرهنگ*. شماره ۶۰. صص: ۲۶۳-۳۰۴.

- Fehervari, G., (1973). *Islamic pottery A comprehensive study based on the Barlow collection*. faber & faber limited.

- Fehervari, G., (2000). *Ceramics of the Islamic world, In the Tareq Rajab museum*. London- New York, I. B Tauris Publishers.

- DeMorgan, J., (1905). "Recherches au Talych Persaen. 1901. In *Necropoles des ages du Bronze et du fer*". *MDP*. VIII. pp: 251-345.

- Kroll, S., (1984). "Archaologische fundplateze in Iranisch-ost-Azarbaidjan". *AMI*. 17. pp:13-135.